



سیاست انحرافی

فشار دوباره نمایندگان برای اجرای قانون حجاب



پایان توافق قاهره

پیشنهاد عراقچی، توافق جدید با شرایط جدید است



این سازمان و آن سازمان

محمد هاشمی و کرباسچی از سازمان صداوسیما می گویند

تقلیسی در آتش

اعتراضات در گرجستان شعله‌ور شد

نخست‌وزیر این کشور، اروپا را متهم به دخالت در شورش کرد

سازندگی به این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



گرجستان روز شنبه یکی از پراشتهابترین روزهای سیاسی خود در سال‌های اخیر را تجربه کرد؛ روزی که قرار بود، عرصه مشارکت دموکراتیک در انتخابات محلی باشد اما به صحنه درگیری‌های خیابانی و یحران سیاسی تازه‌ای در تقلیس تبدیل شد. همزمان با برگزاری انتخابات شهرداری‌ها، صدها تن از مخالفان دولت با در دست داشتن پرچم‌های اتحادیه اروپا و شعارهای ضد دولتی به خیابان‌های پایتخت سرازیر شدند و شامگاه

شنبه با عبور از موانع امنیتی، وارد حیاط کاخ ریاست‌جمهوری در خیابان «آتونلی» شدند. به گزارش خبرنگار «ریانووستی»، نیروهای پلیس برای متفرق کردن جمعیت خشمگین از گاز اشک‌آور، اسپری فلفل و خودروهایی آبپاش استفاده کردند. شاهدان عینی می‌گویند پس از آنکه معترضان به ورودی اقامتگاه ریاست‌جمهوری نزدیک شدند، نیروهای امنیتی مجبور به استقرار یگان‌های ویژه و بستن کامل محوطه شدند. درگیری‌ها تا نیمه‌شب ادامه یافت و در برخی مناطق اطراف کاخ، صدای انفجار نارنجک‌های دودزا و فریاد معترضان شنیده می‌شد.

ادامه در صفحه ۳

کاوش در روح پراگ

ایوان کلیما، نویسنده بزرگ کشور چک که کمونیسم را رسوا کرد، در ۹۴ سالگی درگذشت سازندگی به زندگی و آثار او پرداخته است



یادداشت روز

عندالمطالبه یا عندالاستطاعه؟

در باره نامه آیت‌الله سبحانی به رئیس قوه قضائیه

صالح نقره‌کار

حقوقدان



نامه‌ای از آیت‌الله‌العظمی سبحانی خطاب به ریاست قوه قضائیه منتشر شد که در آن پیشنهاد شده است «در تمام عقدنامه‌ها پرداخت مهریه، عندالاستطاعه باشد نه عندالمطالبه». این پیشنهاد در پی بحث گسترده‌ای درباره شیوه اجرای مهریه و مشکلات ناشی از زندانی شدن مردان مدیون مهریه مطرح شده است. از زاویه حقوقی، بررسی دقیق این موضوع حائز اهمیت است. در حقوق فعلی ایران، به‌محض وقوع عقد نکاح، زن مالک مهریه می‌شود و می‌تواند هر تصرفی در آن انجام دهد. ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی تصریح می‌کند که «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود» و ماده ۱۰۸۹ این حق را تضمین می‌کند که در زمان جاری شدن عقد، مرد آزادانه مهر را تعیین کند. بر این اساس، مهریه هم‌اکنون یک «دین لازم‌التادیه» برای شوهر است که زن می‌تواند هر زمان مطالبه کند. به همین دلیل در عمل، مهر عندالمطالبه است و قانون اجازه می‌دهد، زن با ارائه درخواست به دادگاه خانواده حکم اجرایی برای وصول مهریه اخذ کند؛ حتی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، امکان توقیف اموال و بازداشت زوج را در صورت عدم ایفای تعهد پیش‌بینی کرده است. با این حال شرط «عندالاستطاعه» جایگاه متفاوتی دارد. به‌عنوان یک شرط ضمن عقد، عندالاستطاعه بودن مهریه به این معناست که تحقق تعهد زوج، موکول به وجود تمکن مالی اوست. حقوق‌دانسان حقوق مدنی و ثبتی تأکید کرده‌اند که این شرط اصولاً تعلیق دین و اصل ماهیت حق زن را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه صرفاً تعهد پرداخت را مشروط می‌کند. به بیان دیگر حتی اگر مهر عندالاستطاعه باشد، زن «مالک مهریه» باقی می‌ماند و تنها زمان مطالبه‌اش منوط به اثبات استطاعت شوهر است. اما این شرط، در مقام عمل، بر سازوکارهای وصول مهریه تأثیر اساسی می‌گذارد. طبق مفاد آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اسناد و مواد قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، صدور اجرائیه برای مهریه مشروط دشوار است. در مهریه عندالمطالبه امکان صدور اجرائیه وجود دارد؛ اما در مهریه عندالاستطاعه چون تعهد پرداخت قطعی نیست و مشروط به استطاعت می‌شود، صدور اجرائیه با اشکال مواجه خواهد بود. بدین معنی که زن پیش از اجرای حکم باید ابتدا توانایی پرداخت شوهر را به اثبات برساند (معرفی مال برای اجرای ثبت) و در غیر این صورت، راه مستقیمی برای وصول مهریه وجود ندارد. این اختلاف رویه می‌تواند، نتایج مهمی در پی داشته باشد. اگر مهریه عندالاستطاعه باشد، زن باید برای مطالبه آن در دادگاه نه تنها دین را ثابت کند بلکه بر مستندات لازم برای اثبات استطاعت زوج نیز مسلط باشد؛ در حالی که در نظام فعلی، بار اثبات اعسار بر عهده شوهر است. به‌عبارت دیگر بر فرض تبدیل مهر به عندالاستطاعه، زن از برخی مزایای حمایتی قانون فعلی محروم می‌شود. برخی پژوهش‌های حقوقی تأکید کرده‌اند که شرط کردن مهریه به عندالاستطاعه به‌طور کامل زوج را از فواید قانون اجرای محکومیت‌های مالی محروم می‌کند؛ به گونه‌ای که در «سایر دیون» همچنان تقویت حقوق طلبکار (مثل حق تقدم مهریه تا سقف معین) برقرار است ولی این شرط، سیاست کلی حمایت قانونی از زن را معکوس می‌کند. به عبارت دیگر، اگر مهر مشروط به استطاعت شود حتی دیون مسلم و لازم‌التادیه هم در حکم دینی، معوق قرار می‌گیرند. افزون بر این اعمال این رویه با اصل «تکلیف ما لایطاق» (تحمیل تکلیفی که بر وسع کسی نباشد) منطبق دانسته شده است؛ زیرا به قول حقوق‌دانان، چگونه می‌توان تعهدی که زوج توان ایفای آن را ندارد، از وی مطالبه کرد؟ در حقوق بشر و اصول فقه اسلامی نیز تحمیل بار نامعقول بر فرد مذموم شمرده شده است. با این توصیفات، نظر حضرت آیت‌الله سبحانی که مبتنی بر ضرورت تناسب توانایی با تعهد مالی است، استدلال خود را دارد و حکایت از تمرکز بر حمایت از زوج ناتوان دارد؛ اما باید دید آیا چنین تغییر فقهی-حقوقی با روح و نص قانون فعلی سازگار است یا خیر. قطعاً بهترین راه‌حل، گفت‌وگوی کارشناسی میان حقوق‌دانان، فقها و مجریان قانون است تا در صورتی که مجلس تصمیم به اصلاح گرفت، سازوکار تعادلی تعریف شود. به هر رو پیشنهاد تبدیل مهریه به عندالاستطاعه در صورتی می‌تواند به ثمر بنشیند که کاستی‌های قانون فعلی در نظر گرفته شود و حمایت‌های حداقلی از حقوق زن محفوظ بماند.

دیدگاه: یادداشت وارده

فرسایش اعتماد

میان کارگزاران و تحلیل‌گران

چالشی ساختاری در نظام تصمیم‌گیری ایران

عابد اکبری

کارشناس حوزهٔ بین‌الملل



در نظام‌های مدرن سیاست‌گذاری، رابطه میان کارگزاران و تحلیل‌گران یکی از ارکان تصمیم‌سازی علمی و مبتنی بر شواهد است. تحلیل‌گر در این ساختار، «تولیدکننده دانش تصمیم» محسوب می‌شود؛ کسی که داده‌های خام را به بینش کاربردی تبدیل کرده و با تحلیل چندبعدی به ارتقای کیفیت انتخاب‌های کارگزار کمک می‌کند. در مقابل، کارگزار در نقش «مصرف‌کننده تحلیل» برای کاهش عدم قطعیت و مدیریت ریسک به این داده‌ها نیاز دارد. این رابطه در ادبیات حکمرانی، نوعی رابطه اطلاعاتی نامتقارن است که تنها در صورت وجود اعتماد متقابل، شفافیت و پاسخ‌گویی معنا پیدا می‌کند. اما در ایران، این رابطه به‌تدریج دچار فرسایش ساختاری شده است؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را «بحران اعتماد تحلیلی» نامید. نخستین عامل این فرسایش، غلبه تحلیل‌های آرزومندانه بر تحلیل‌های واقع‌گرایانه است. تحلیل‌گرانی که به جای تکیه بر داده و مشاهده عینی، تمایلات سیاسی یا ذهنی خود را وارد تحلیل می‌کنند، در عمل محصولی تولید می‌کنند که بیشتر شبیه روایت تبلیغاتی است تا ابزار تصمیم‌سازی. تجربه‌های تکراری شکست در اتکای به این تحلیل‌ها به‌ویژه در حوزه‌های چون سیاست خارجی، امنیت منطقه‌ای و اقتصاد، موجب شده است که کارگزاران به آنها با تردید بنگرند و اعتبار تحلیل‌ از میان برود. عامل دوم، فقدان رویکرد جامع و میان‌رشته‌ای در تحلیل‌هاست. تصمیم‌سازی مؤثر، نیازمند درک پیوند میان اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و فناوری است. اما تحلیل‌های رایج در ایران اغلب به یکی از این ابعاد محدود می‌شوند و از دیدن ارتباطات علی و پیامدهای چندسطحی غفلت می‌کنند. نتیجه آن است که تصمیم‌ها بر مبنای تصویری ناقص از واقعیت اتخاذ شده و در عمل با شکست مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، بخش زیادی از تحلیل‌های تولید شده در ایران فاقد قابلیت سنجش و ارزیابی علمی هستند. تحلیل علمی باید بر مفروضات روشن، مدل تحلیلی شفاف و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری استوار باشد. اما در بسیاری از متون تحلیلی داخلی، زبان کلی و غیرقابل ابطال به‌کار می‌رود تا تحلیل‌گر بتواند هر نتیجه‌ای را نشانه درستی تحلیل خود جلوه دهد. به همین دلیل، عملکرد واقعی تحلیل‌گران قابل ارزیابی نیست و اعتماد کارگزار به آنان کاهش می‌یابد. در سطحی عمیق‌تر، پدیده نفوذ تحلیلی نیز به فرسایش اعتماد دامن زده است. در مواردی، تحلیل‌گران با انگیزه‌های سیاسی، جناحی یا حتی اهداف خارجی وارد عرصه تحلیل می‌شوند. وقتی کارگزار احساس کند، تحلیل نه ابزار شناخت بلکه ابزار نفوذ است، طبیعی است که از مسیر رسمی فاصله بگیرد و به حلقه‌های غیررسمی و منابع شخصی اتکا کند؛ فرآیندی که خطاهای تصمیم‌سازی را بازتولید می‌کند. در نتیجه، نظام تصمیم‌گیری با پدیده‌ای روبه‌روست که می‌توان آن را شکاف شناختی در تصمیم‌سازی نامید. در چنین شرایطی، تحلیل از ابزار عقلانیت به ابزار توجیه تصمیم‌های از پیش گرفته شده، تبدیل می‌شود. یعنی تحلیل نه برای فهم واقعیت بلکه برای مشروعیت‌بخشی به انتخاب‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این چرخه معیوب، هم کیفیت تصمیم‌ها را پایین می‌آورد و هم ظرفیت نظام حکمرانی برای یادگیری، اصلاح و انطباق با تحولات محیطی را تضعیف می‌کند.

- سطح روش‌شناختی:** نهادینه‌سازی استانداردهای تحلیل‌پذیری و شفاف‌سازی مفروضات.
- سطح نهادی:** ایجاد نهادهای مستقل ارزیابی عملکرد تحلیلی، تعریف سازوکارهای پاسخ‌گویی برای اتاق‌های فکر و تحلیل‌گران و جلوگیری از انحصار اطلاعاتی.
- سطح اخلاق حرفه‌ای:** تدوین منشورهای بی‌طرفی، الزام به اعلام تضادمنافع و شفاف‌سازی وابستگی‌های فکری یا سازمانی تحلیل‌گران.

اعتماد تحلیلی همان سرمایه شناختی است که بدون آن سیاست‌گذاری عقلانی ممکن نیست. بازسازی این سرمایه نیازمند شفافیت، پاسخ‌گویی و اخلاق حرفه‌ای است؛ در غیر این صورت تصمیم‌سازی در ایران همچنان گرفتار سراب تحلیل خواهد بود؛ تحلیلی که دیده می‌شود اما به آن اعتماد نمی‌شود.

سیاست انحرافی

برخی از نمایندگان مجلس دوباره مساله حجاب اجباری را مطرح کردند

دامن می‌زند. تقدعلی با آیات و شعر و استعاره سخن گفت اما هیچ جا نگفت، قرار است با کدام برنامه اقتصادی، امید را به مردم برگردانند. اظهارات اخیر محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در مناظره با علی شکوری‌راد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که در آن گفته بود «پارادایم‌ها در جمهوری اسلامی، نرم در حال اصلاح است و حجاب دیگر مستند قانونی ندارد»، بهانه‌ای شد تا مخالفان او در مجلس با تفسیر دلخواه از این جمله، آتش نزاع بر سر قانون حجاب را شعله‌ور کنند.

مجتبی ذوالنوری، نماینده قم نیز گفت: «برای رضایت عده‌ای هنجارشکن، مؤمنین را از دست ندهید. وضعیت حجاب در کشور قابل قبول نیست و متدبیین دلخورند». این جملات بارها در دهه‌های اخیر تکرار شده‌اند اما هر بار با نتیجه معکوس؛ جامعه‌ای که احساس می‌کند



در برابر گروهی خاص تعریف می‌شود. در واقع با ادبیات ذوالنوری، کشور به دو بخش تقسیم می‌شود؛ مؤمنین خشمگین و بی‌حجابان بی‌دین. این همان دوگانه خطرناکی است که شکاف اجتماعی را عمیق‌تر و گفت‌وگو را ناممکن می‌کند. در رسانه‌های نزدیک به جبهه پایداری نیز نقل‌قول‌های باهنر تیرتر شد و به او اتهام «تغییر پارادایم» و «توجیه برهنگی» زدند. فاطمه راستینه، دیگر نماینده پایداری، پرسید: «شما مصلحت کدام نظام را در مجمع تشخیص بررسی می‌کنید؟ مصلحت نظام اسلامی یا مصلحت نظام برهنگی غربی؟» این نوع ادبیات مذهبی و خشونت کلامی که در سال‌های اخیر بارها از تریبون مجلس شنیده شده بیش از هر چیز بیانگر تلاش یک جریان سیاسی برای بازتولید گفتمان اقتدار در حوزه‌ای است که به نظر می‌رسد، بخش بزرگی از جامعه از آن عبور کرده است. بخش تدررو مجلس همچنان با چنگ زدن به موضوعاتی چون حجاب، در حالی سعی دارد ناراضیانی مذهبی بخشی از بدنه اجتماعی خود را علیه «دشمن فرهنگی» بسیج کند که بیکاری، معیشت و نابرابری اجتماعی بیش از پیش به مساله روز مردم تبدیل شده است.

شعام و توقف اجرای قانون حجاب

در میانه این تنش علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس که می‌کوشید ماجرا را آرام کند، توضیح داد که «دبیر شورای عالی امنیت ملی به‌صورت مکتوب اعلام کرده فعلا اجرای قانون حجاب و عفاف

متوقف است». او گفت: «اما با دغدغه فرهنگی موافقیم اما تصمیم نهایی در حوزه اجرا با شورای عالی امنیت ملی است. بنابراین خلاف قانون و شرع عمل نکرده‌ایم». این اظهارات نشان می‌دهد که تصمیم‌گیران نیز بر سر ناکارآمدی سیاست‌های سخت‌گیرانه درباره حجاب به توافق رسیده‌اند. بدین معنا که حتی اگر مجلس بر تصویب و اجرای آن پافشاری کند، اجرای سراسری‌اش بدون رضایت اجتماعی ممکن نیست. برای ناظران سیاسی اما تکرار ناگهانی موضوع حجاب در شرایط فعلی، اتفاقی نیست. جامعه خسته از گرانی و ناامیدی در آستانه انتخابات مجلس بعدی بیش از هر زمان دیگر به مطالبات معیشتی گرایش دارد. در چنین فضایی، طرح دوباره «جنگ فرهنگی» راهی مطمئن برای تغییر میدان بازی است. چنین الگوهایی در سال‌های اخیر بارها تکرار شده است: هرگاه فشار اجتماعی و اقتصادی بالا می‌رود، بخشی از بدنه اصول‌گرایی، موضوع حجاب را به سطح عمومی می‌کشاند تا دو قطبی مذهبی – غیرمذهبی احیا و مطالبات جامعه از مسیر خود منحرف شود.

تقدعلی، بانکی‌پور، ذوالنوری و راستینه در نطق‌هایشان عملاً همین راهبرد را پیش بردند. آنها با توصیف وضعیت فرهنگی به‌عنوان «اشفته و ناامن» تلاش کردند که فضای روانی کشور را از واقعیت معیشت به تهدید اخلاقی منتقل کنند. در این روایت، زن بی‌حجاب نه شهروندی معترض بلکه دشمنی نفوذی است که باید از صحنه حذف شود. در امتداد حملات مجلس، برخی چهره‌های مذهبی و رسانه‌های وابسته نیز به خط شدند. روح‌الله حریرزوی، قائم‌مقام سازمان تبلیغات اسلامی در شبکه اجتماعی «ایکس» با کنایه به باهنر نوشت: «باهنر باش و مصلحت‌اندیش، شرمسار باش ز عاقبت خویش». این هجمه گسترده همچنین نشان می‌دهد که هدف اصلی فراتر از اختلاف نظر بر سر قانون است؛ مساله، حذف صدای میانه‌رو از درون جریان اصول‌گرایی است.

زمینه سیاسی یک جدال

در میان هیاهوی رسانه‌ای، فراموش نکنیم که قانون ترویج عفاف و حجاب هنوز به‌صورت رسمی ابلاغ نشده و اساساً قابلیت اجرایی ندارد. با این حال طرح مجدد آن در مجلس کارکرد سیاسی دارد، کارکردهایی مثل فشار بر دولت، جذب پایگاه مذهبی ناراضی و ایجاد موج رسانه‌ای برای انحراف افکار عمومی از مسائل واقعی. بازخوانی سیر رویدادهای یک سال گذشته نشان می‌دهد که در واقع، حجاب از یک مساله اجتماعی به ابزار رقابت قدرت در میان خود اصول‌گرایان تبدیل شده است. اظهارات باهنر فقط یک چرخه بود تا تدرروهای مجلس دوباره به میدان بیایند و از زبان «غیرت دینی» برای بازسازی مشروعیت خود بهره ببرند. آنها هنوز درک نکرده‌اند که تغییرات اجتماعی با فرمان و بخش‌نامه عقب‌نشینی نمی‌کند و این بار نیز مثل همیشه، بحث حجاب را نه برای پاسداری از ایمان بلکه برای پوشاندن شکاف‌های قدرت‌شان به میان آورده‌اند.

امداد است اما در دهک هشتم قرار گرفته است. او همچنین درباره همسان‌سازی حقوق بازنشستگان گفت که اجرای آن نتیجه پیگیری مجلس بوده نه اقدام وزارت کار اما وزیر آن را به نام خود تمام کرده است. سعیدی، رفتار وزیر را نیز غیراخلاقی و غیرمتعهدانه توصیف کرد و گفت در گذشته وزیران برای دیدار با بازنشستگان حتی تیم‌شب‌وقت می‌گذاشتند اما اکنون این روحیه تعهد دیده نمی‌شود. او افزود که وزیر فعلی در شاخص‌های یک وزیر کارآمد، نمره ضعیفی می‌گیرد و با شرایط امروز کشور هم‌خوانی ندارد.

در بخش دیگری از مصاحبه درباره شایعات مربوط به تابعیت مضاعف برخی مدیران وزارت کار، سعیدی گفت این موضوع باید توسط دستگاه‌های نظارتی بررسی شود. همچنین درباره گمانه‌زنی‌ها پیرامون استیضاح سایر وزرا از جمله وزیر صمت، گفت فعلا در این باره سکوت می‌کند اما «زمرمه‌هایی در مجلس وجود دارد».

احمد مسیدری، اولین وزیر دولت چهاردهم است که کارت زرد مجلس دوازدهم را دریافت کرده است. طبق اعلام عباس گودرزی، طرح استیضاح وزیر کار با ۵۸ امضا به هیات‌رئیس‌ه ارجاع شده اما آنچه ماجرای اخیر را خبرساز کرده نه فقط تعداد امضاها بلکه اقدام بی‌سابقه نمایندگان در امضای خونین با استامپ قرمز است که به نمادی از اعتراض و سوگند جمعی در مجلس بدل شده است.

استیضاح با امضای خون!

۲۵ نماینده قسم خوردند تا استیضاح وزیر کار عقب نکشند

گروه سیاسی: در ادامه بحث استیضاح احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و در حالی که هنوز بسیاری از وعده‌های رفاهی دولت در حال اجراست به گفته زهرا سعیدی مبارکه، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس و از امضاکنندگان طرح، حدود ۲۵ نماینده مجلس در اقدامی نمادین و کم‌سابقه با استامپ قرمز به رنگ خون، پای برگه‌های استیضاح انگشت زدند و سوگند یاد کردند که هیچ‌کس از امضای خود عقب‌نشینی نکند. آنها همچنین توافق کردند در صورت پس گرفتن امضا از سوی هر نماینده، نام او به‌طور علنی منتشر شود.

سعیدی در گفت‌وگو با «تابناک» تأکید کرد نخستین امضاکننده استیضاح، عباس گودرزی بوده و پس از او خودش نیز امضا کرده است. او علت شکل‌گیری فهرست دوم را تعلل در پیگیری استیضاح اولیه عنوان کرد و گفت که پس از مشاهده بی‌عملی در ارجاع آن به هیات‌رئیس‌ه ۲۵ نفر از نمایندگان بار دیگر با سوگند و نشانه خون، عزم خود را برای پیگیری استیضاح جزم کردند. به گفته این نماینده، دو فهرست برای استیضاح وجود دارد؛ یک فهرست با بیش از ۵۰ امضا که پیش‌تر به هیات‌رئیس‌ه

پایان توافق قاهره

عراقچی: ایران آماده مذاکره است اما با شرایط متفاوت



غرب پاسخ منفی داد

وزیر امور خارجه در توضیح نشست خود با سفرا و نمایندگی‌های خارجی افزود: «ضروری بود تا ابعاد تصمیم اخیر غرب در شورای امنیت و تبعات حقوقی و سیاسی آن را برای کشورهای دیگر تشریح کنیم. جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به راه‌حلی منصفانه و متعادل تلاش کرده است اما کشورهای غربی با زیاده‌خواهی و درخواست‌های غیرمنطقی خود به این تلاش‌ها پاسخ منفی دادند». او در پایان تأکید کرد: «ایران همچنان آماده مذاکره‌ای سازنده و متوازن است اما این بار شرایط متفاوت خواهد بود؛ چراکه طرف مقابل با اقدامات اخیر خود، نه تنها اعتماد را تضعیف کرده بلکه مسیر دیپلماسی را نیز سخت‌تر کرده است».

خاورمیانه

خط و نشان نتانیاهاو برای طرح ترامپ!

ترامپ خطاب به نتانیاهاو: چرا اینقدر منفی هستی؟

روزنامه عبری «یسرائیل هیوم» گزارش داد که بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دیدار با اعضای «انجمن قهرمانی» متشکل از خانواده‌های سربازان کشته شده در عملیات هفتم اکبر و جنگ غزه تأکید کرد: «پیش از اجرای بند اول طرح ترامپ، یعنی آزادسازی تمامی گروگان‌ها چه زنده و چه کشته به سراغ هیچ‌یک از دیگر بندهای این طرح نخواهیم رفت». وی در ادامه مدعی شد که پس از پایان جنگ، تشکیلات خودگردان فلسطین هرگز بر غزه حاکمیت نخواهد داشت و هیچ نماینده‌ای از حماس یا تشکیلات خودگردان در مدیریت نوار غزه مشارکت نخواهد کرد. نخست‌وزیر اسرائیل همچنین افزود: «اسرائیل مسئولیت خلع سلاح نوار غزه را بر عهده خواهد داشت و در این روند مشارکت خواهد کرد». نتانیاهاو در خصوص گروگان‌ها هشدار داد: «در صورتی که در مدت تعیین شده آزاد نشوند با حمایت کشورهای مرتبط دوباره وارد جنگ خواهیم شد». او همچنین مدعی شد که موفق شده است، وضعیت سیاسی را از انزوای اسرائیل به انزوای حماس تغییر دهد. در همین حال مقامات آمریکایی می‌گویند، رئیس‌جمهور این کشور پس از ارائه پاسخ رسمی جنبش حماس به طرح او برای صلح در غزه، گفت‌وگوی پر بحث و جدلی با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی داشته است که واکنش مورد انتظار را دریافت نکرده اما در نهایت، طرفین برای پیشبرد این طرح همسو شدند. یک مقام آمریکایی می‌گوید پس از «بله مشروط» جنبش حماس در جمعه گذشته به طرح صلح «دوئالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ با «بنیامین نتانیاهاو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی گفت‌وگویی تلفنی درباره این موضوع داشت که از نظر او، خبر خوبی محسوب می‌شود. به گفته این منبع مطلع، نتانیاهاو احساس متفاوتی داشت و «به ترامپ گفت این چیزی نیست که نیازی به خوشحالی داشته باشد و هیچ اهمیتی ندارد». طبق گزارش آکسیوس، ترامپ پاسخ تندی به او داده و گفت: «نمی‌فهم چرا همیشه تا این حد منفی هستی؟! این یک پیروزی است؛ بپذیرش».



ارائه کردیم. امروز هیچ بهانه‌ای برای متهم کردن ایران باقی نمانده است. همان‌طور که حمله نظامی بی‌دلیل بود، فعال‌سازی اسنپ‌بک هم فاقد توجیه است».

ایران بازیگر خردمند عرصه بین‌الملل

عراقچی با اشاره به حمایت گسترده بین‌المللی از ایران در گذشته گفت: «بیش از ۱۲۰ کشور جهان و اکثر سازمان‌های بین‌المللی، حملات نظامی به ایران را محکوم کرده و از مواضع کشورمان حمایت کردند. امروز نیز روشن است که ایران بازیگری خردمند، معقول و هوشمند در عرصه روابط بین‌الملل است؛ کشوری که از حقوق خود کوتاه نمی‌آید اما برای هر راه‌حلی که منافع دو طرف را تأمین کند، آمادگی دارد».

ادامه گفت‌وگو با خود را از دست داده‌اند». عراقچی با اشاره به اقدام اخیر شورای امنیت افزود: «موضوع جدیدی به معادله افزوده شده که مسیر مذاکرات را دشوارتر می‌کند. با این حال دیپلماسی پایان‌پذیر نیست اما باید دید در چه شرایطی و با چه طرف‌هایی ادامه خواهد یافت. اکنون شرایط نسبت به گذشته کاملاً متفاوت است». وی تأکید کرد که وزارت امور خارجه به تلاش‌های خود برای پیشبرد گفت‌وگو ادامه خواهد داد اما «مذاکرات آینده مانند گذشته نخواهد بود؛ هم به دلیل حمله نظامی اخیر و هم به خاطر اقدام سه کشور اروپایی در فعال‌سازی اسنپ‌بک».

توافق قاهره کارایی خود را از دست داده است

در پاسخ به پرسشی درباره همکاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، وزیر امور خارجه گفت: «پس از حمله به تأسیسات هسته‌ای، ادامه همکاری در چارچوب گذشته ممکن نبود. به همین دلیل، توافق جدیدی در قاهره امضا کردیم که شکل تازه‌ای از همکاری‌ها را تعریف می‌کرد. اما اکنون توافق قاهره دیگر مبنای همکاری ما با آژانس نخواهد بود و تصمیم جدید ایران به‌زودی اعلام می‌شود». او خاطر نشان کرد که ایران برای اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود «هر آنچه لازم بوده» انجام داده است: «ما با آژانس همکاری کردیم، گفت‌وگوهای دیپلماتیک انجام دادیم و پیشنهادهای منصفانه

گروه بین‌الملل: وزیر امور خارجه کشورمان تأکید کرد، اقدام سه کشور اروپایی در فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک نه‌تنها کمکی به حل مساله هسته‌ای ایران نکرد بلکه مسیر دیپلماسی را دشوارتر و پیچیده‌تر هم کرد. سیدعباس عراقچی پس از دیدار با سفرا، کارداران و رؤسای نمایندگی‌های خارجی مقیم تهران در جمع خبرنگاران گفت: «سه کشور اروپایی گمان می‌کردند، اهرم فشار تازه‌ای در اختیار دارند و با تهدید به اجرای آن می‌توانند ایران را تحت فشار قرار دهند. اما حالا که آن را به کار گرفته‌اند، نتیجه را دیده‌اند؛ هیچ تغییری در وضعیت ایجاد نشد و هیچ مشکلی حل نگردید بلکه صرفاً مسیر دیپلماسی را تضعیف کردند». او تأکید کرد که تجربه سال‌های اخیر ثابت کرده هیچ راه‌حلی جز مسیر گفت‌وگو و توافق دیپلماتیک برای مساله هسته‌ای ایران وجود ندارد. «بارها ایران را تهدید به اقدام نظامی کردند و حتی در مقطعی آن را آزمودند اما دیدند که این مسیر بی‌نتیجه است. فعال‌سازی اسنپ‌بک هم دقیقاً همان وضعیت را دارد؛ نه راه‌حل است و نه موجب تغییر شرایط می‌شود».

نقش کهرنگ‌تر اروپا در آینده مذاکرات

وزیر امور خارجه گفت: «در هر راه‌حل مذاکره‌محور آینده، نقش اروپا به‌مراتب کهرنگ‌تر از گذشته خواهد بود. سه کشور اروپایی به‌وضوح نقش خود را در فرآیند دیپلماتیک تضعیف کرده و توجیه

ادامه تیتربک

تفلیس در آتش



انتخابات محلی که روز شنبه در ۶۴ شهرداری و منطقه گرجستان برگزار شد به گفته ناظران سیاسی، نخستین آزمون جدی حزب حاکم «رؤیای گرجستان» پس از انتخابات جنجالی پارلمانی سال ۲۰۲۴ به شمار می‌رفت؛ انتخاباتی که اعتراضات گسترده‌ای را در پی داشت و باعث شد، اتحادیه اروپا روند بررسی عضویت گرجستان در این اتحادیه را به حالت تعلیق درآورد. بر اساس آمار اولیه کمیسیون مرکزی انتخابات، حزب حاکم توانسته است با کسب بیش از ۸۰ درصد آرا در شوراهای شهر، اکثریت قاطع را به دست آورد. اما اپوزیسیون، نتایج را رد کرده و مدعی «تقلب سازمان‌یافته» و «دخالت نیروهای امنیتی در روند رأی‌گیری» شده است. مخالفان دولت می‌گویند، حزب رؤیای گرجستان در همکاری پنهان با روسیه، مسیر ادغام کشور در اتحادیه اروپا را عمدتاً مسدود کرده و مانع اصلاحات دموکراتیک شده است.

در آستانه انتخابات، فضای سیاسی گرجستان به شدت قطبی شده بود. مقامات دولتی پیش‌تر هشدار داده بودند که هرگونه اقدام برای برهم زدن نظم عمومی در روز رأی‌گیری با واکنش قاطع روبه‌رو خواهد شد. وزارت کشور گرجستان شامگاه شنبه اعلام کرد که تحقیقات درباره «فراخوان برای تغییر خشونت‌آمیز نظم قانونی کشور» آغاز شده و تاکنون پنج تن از رهبران معترضان بازداشت شده‌اند.

در میان بازداشت‌شدگان، نام دو چهره شناخته شده از حزب «جنبش ملی متحد» دیده می‌شود؛ حزبی که توسط رئیس‌جمهور سابق، میخائیل ساکاشویلی، تأسیس شده بود. «لوان خبایشویلی»، رئیس پیشین این حزب و «ژیوید کوپراوا»، عضو شورای شهر تفلیس از جمله افرادی هستند که به اتهام تحریک به شورش دستگیر شدند.

نخست‌وزیر گرجستان، «ایراکلی گویاخیدزه» در کنفرانسی خبری پس از درگیری‌ها اعلام کرد که دولت «تلاش برای کوتای برنامه‌ریزی شده توسط سرویس‌های اطلاعاتی خارجی» را خنثی کرده است. وی گفت: «هر فردی که در اقدامات خشونت‌آمیز علیه نهادهای دولتی نقش داشته باشد تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. ما اجازه نمی‌دهیم که کشور بار دیگر به هرج‌ومرج و ناآرامی کشیده شود».

گویاخیدزه در اظهاراتی تند، اتحادیه اروپا را متهم کرد که با «حمایت ضمنی از گروه‌های معترض» به دنبال بی‌ثبات کردن گرجستان است. او افزود: «متأسفانه برخی از دیپلمات‌های اروپایی در تلاش برای تأثیرگذاری بر سیاست داخلی ما هستند. من از سفیر اتحادیه اروپا در تفلیس می‌خواهم که آشکارا این اقدامات غیرقانونی را محکوم کند». در مقابل، مقامات اروپایی در بروکسل از دولت گرجستان خواسته‌اند که

از «به‌کارگیری بیش از حد زور» در برابر معترضان خودداری کند. اتحادیه اروپا که پیش‌تر برخی مقامات حزب، رؤیای گرجستان را به دلیل سرکوب اعتراضات سال گذشته تحریم کرده بود اکنون هشدار داده که ممکن است، امتیاز سفر بدون روایت شهروندان گرجی به کشورهای عضو اتحادیه را به حالت تعلیق درآورد مگر آن‌که تفلیس به بهبود وضعیت حقوق بشر و آزادی بیان متعهد شود. در همین حال، نهادهای نظرسنجی مستقل از کاهش چشمگیر اعتماد عمومی به حزب حاکم خبر می‌دهند. نتایج آخرین نظرسنجی مؤسسه «مطالعات و تحلیل اجتماعی» نشان می‌دهد که تنها ۳۶ درصد مردم از حزب رؤیای گرجستان حمایت می‌کنند، در حالی که حدود ۵۴ درصد از احزاب اپوزیسیون جانبداری می‌کنند. این شکاف سیاسی عمیق، به گفته تحلیلگران، نشانه‌ای از فرسایش سرمایه اجتماعی دولت در میان طبقات شهری و جوانان است. با این حال، گویاخیدزه در سخنان روز شنبه خود پس از اعلام نتایج نهایی انتخابات تأکید کرد که حزب متبوعش همچنان قدرت را در دست دارد و برای ۳ سال آینده نیز در رأس دولت باقی خواهد ماند. او گفت: «واقعیت این است که رؤیای گرجستان در قدرت است و خواهد ماند. به همین دلیل از همه نیروهای سیاسی می‌خواهم که این واقعیت را بپذیرند و برای آینده کشور با دولت همکاری کنند».

کتاب‌شناسی

کاوش در روح پراگ

مروری بر آثار ایوان کلیما

متین بادی

روزنامه‌نگار

ایوان کلیما، با بیش از ۳۰ اثر ادبی شامل رمان، مجموعه داستان، نمایش‌نامه و مقاله، یکی از تأثیرگذارترین صداهای ادبی قرن بیستم اروپای شرقی است. آثار او که اغلب در سایهٔ رژیم‌های توتالیت‌ر نازی و کمونیستی شکل گرفتند، به کاوش در موضوعاتی چون عشق، آزادی، تنهایی و مقاومت انسانی در برابر سرکوب می‌پردازند. سبک واقع‌گرایانه او، با دیالوگ‌های تیز و توصیف‌های دقیق از پراگ شهری، زخمی اما زنده، خوانندگان را به قلب تاریخ و روان انسان می‌برد. در ایران، کلیما بیشتر با کتاب‌های روح پراگ و عشق و زیاله شناخته می‌شود. در ادامه به معرفی مهم‌ترین آثار کلیما می‌پردازیم.

مقالات و خاطرات



روح پراگ: مجموعه‌ای از ۲۰ مقالهٔ انتقادی پژوهشی است که طی ۱۵ سال نوشته شده و دریچه‌ای به جهان فکری کلیما باز می‌کند. این کتاب از تجربه‌های دوران کودکی در اردوگاه ترزین‌اشتات آغاز می‌شود، جایی که مرگ به امری روزمره بدل شده بود. او در این کتاب به نقد رژیم‌های توتالیت‌ر، آثار فرانتس کافکا و... می‌پردازد. پراگ در این اثر نمادی از تمدن و وحشی‌گری توأمان است. مقالات، با نثری صمیمی اما عمیق، حافظه فردی را با تاریخ جمعی پیوند می‌زنند و خواننده را با سؤالاتی دربارهٔ مرگ، زندگی و هویت مواجه می‌کنند. در ایران این کتاب با دو ترجمهٔ خشایار دیهیمی و فروغ پوریآوری و توسط نشر ن‌ی و انتشارات آگه، منتشر شد و به دلیل تصویر زنده‌اش از پراگ و تأملات فلسفی مورد استقبال قرار گرفت.

قرن دیوانه من: خاطرات دوجلدی کلیما، سندی تاریخی و ادبی از تجربه‌های او در قرن بیستم است. جلد اول به جذب اولیه به کمونیسم در جوانی و جلد دوم به دلسردی از این ایدئولوژی می‌پردازد. این اثر از جنگ جهانی دوم تا بهار پراگ ۱۹۶۸ را در بر می‌گیرد و با نثری صریح، «دیوانگی» ایدئولوژی‌های قرن بیستم را نقد می‌کند. کلیما با ترکیب شخصیت‌های واقعی و خیالی، داستان‌هایی از قربانیان سیاست می‌سازد و نشان می‌دهد، چگونه انقلاب‌ها اغلب به دیکتاتوری ختم می‌شوند و روایتی شخصی از تاریخ چک ارائه می‌دهد. انتشارات روزنه این کتاب را با ترجمه علیرضا بهشتی شیرازی منتشر کرده و ترجمه فروغ پوریآوری از آن هم توسط نشر ثالث منتشر شده است.

در میانه امنیت و ناامنی: مجموعه مقالاتی است که به تضادهای زندگی پساکمونیستی می‌پردازد. کلیما امنیت ظاهری را در برابر ناامنی درونی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد، چگونه گذشته سیاسی بر حال اثر می‌گذارد. ترجمه فارسی آن توسط فروغ پوریآوری توسط انتشارات آگه منتشر شده است. این اثر برای علاقه‌مند به سیاست معاصر چک، اثری بسیار ارزشمند است.

رمان‌ها



عشق و زیاله: یکی از شاهکارهای کلیما، رمانی است که در دوران ممنوع‌القلمی او و کارش به عنوان رفترگ نوشته شد. داستان حول زندگی نویسنده‌ای میان‌سال می‌چرخد که در جامعه بسته کمونیستی چکسلواکی، زیاله‌های شهر را جمع می‌کند اما ذهنش درگیر عشق، تنهایی و تأملات فلسفی دربارهٔ کافکا و زندگی است. این رمان، با سبکی

شبیه به آثار میلان کوندرا، عشق را نه به عنوان رهایی بلکه به عنوان پناهگاهی شکننده در برابر سرکوب سیاسی و عاطفی نشان می‌دهد. زیاله‌ها نمادی از فساد رژیم و پوچی زندگی روزمره‌اند. نثر واقع‌گرایانه و دیالوگ‌های عمیق، این اثر را به تصویری تلخ اما تأثیرگذار از زندگی تحت دیکتاتوری تبدیل کرده است. این کتاب در ایران، با ترجمهٔ فریده گوینده و توسط نشر لگا در سال ۱۴۰۰ روانه بازار کتاب ایران شد.

نه فرشته، نه قدیس: به مشکلات اجتماعی پراگ پساکمونیستی می‌پردازد. داستان حول کریستینا، زنی مطلقه، می‌چرخد که با دختری نوجوان و معتاد به مواد مخدر، عشقی ممنوعه به مردی جوان‌تر و کشف چمدانی از نامه‌های پدرش، یک استالینیست ستمگر، دست‌وپنجه نرم می‌کند. این نامه‌ها گذشته‌ای تاریک را زنده می‌کنند و نشان می‌دهند، چگونه زخم‌های تاریخی بر زندگی معاصر اثر می‌گذارند. کلیما با نثری بی‌رحمانه و واقع‌گرایانه، فروپاشی خانواده و جامعه را در جهانی که به تازگی از بند کمونیسم رها شده به تصویر می‌کشد. این اثر نشان می‌دهد که آزادی سیاسی، بدون عدالت اجتماعی، تنها وهمی است. حشمت کامرانی این اثر را ترجمه و نشر نو آن را منتشر کرده است.

در انتظار تاریکی، در انتظار روشنایی: رمانی است که فساد قدرت را در قالب داستان گروگان‌گیری و عفوهای نمایشی بررسی می‌کند. قهرمان، یک فیلم‌ساز، درگیر بازی‌های سیاسی می‌شود و امید و ناامیدی را در جامعه‌ای تحت سرکوب تجربه می‌کند. کلیما با نثری دقیق، نشان می‌دهد چگونه رسانه و سیاست، واقعیت را تحریف می‌کنند. انتشارات آگه این اثر را با ترجمه فروغ پوریآوری در اختیار مخاطبان فارسی‌زبان گذاشته است.

قاضی: رمانی درباره قاضی‌ای است که در نظام توتالیت‌ر احکام ناعادلانه صادر می‌کند و با وجدان خود درگیر است. این اثر، با کاوش در تضاد بین وظیفه و اخلاق، نقدی تند به سیستم قضایی رژیم‌های سرکوبگر ارائه می‌دهد. کشتی به نام امید: شامل دو رمان کوتاه است که به امید و ناامیدی در دوران جنگ می‌پردازد. این اثر، با نثری شاعرانه، مقاومت انسانی را در برابر وحشت نشان می‌دهد. دیگر رمان‌های برجسته این نویسنده پرکار عبارتند از: عشق تابستانی، عاشقان یک شبه، وزیر و فرشته، جزیره پادشاهان مرده، نزدیک خورشید چقدر است، آخرین درجه اعتماد، وقتی به خانه آدم، نخست‌وزیر و فرشته.

مجموعه داستان‌ها



سفرهای خطرناک من: مجموعه‌ای از داستان‌های عاشقانه از دوران بلوغ است که روابط عاطفی را در بستر گوتی یهودیان و فضای سرکوب شده رژیم کمونیستی کاوش می‌کند. داستان‌ها، با نثری شاعرانه، عشق را به عنوان پناهگاهی موقت در برابر وحشت سیاسی نشان می‌دهند. شخصیت‌هایی چون جاسوسان و زنان شکننده در جهانی پر از خطر، به دنبال معنا هستند. انتشارات روزنه این کتاب را با ترجمهٔ رضا میرچی منتشر کرده است.

کار گل: مجموعه‌ای شامل ۷ داستان کوتاه درباره سرگذشت نویسندگان و روشنفکران چکسلواکی در زمان اشغال توسط شوروی سابق است که به دلیل ممنوع‌القلمی به کارگری در حوزه‌های مختلف روی می‌آوردند. این اثر، با طنزی تلخ، مقاومت روشنفکران در برابر سانسور را نشان می‌دهد. در ایران، با ترجمه فروغ پوریآوری و توسط انتشارات آگه منتشر شده و تصویری واقعی از زندگی زیرزمینی ارائه می‌دهد.

آثار کلیما، با تمرکز بر آزادی فردی و مقاومت در برابر سرکوب، نه تنها سندی از تاریخ چک بلکه بازتابی از مبارزه جهانی انسان برای حفظ هویت در برابر دیکتاتوری‌هاست. او با نثری ساده اما عمیق، پراگ را به جهانی تبدیل کرد که در آن عشق، تنهایی و امید در کنار ترس و سرکوب زندگی می‌کنند.

طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

ایوان کلیما، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس برجسته چک، سرانجام در ۴ اکتبر ۲۰۲۵ در پراگ درگذشت. مرگ او پایان یک دوره طولانی و پرماجرا از زندگی انسانی است که با مقاومت در برابر سرکوب، تجربهٔ عشق و امید و تعهد به آزادی مشخص می‌شد. با درگذشت کلیما، جامعهٔ ادبی چک و خوانندگان جهانی یکی از صدای‌های مهم تاریخ معاصر خود را از دست دادند. آثار او، که بیش از ۳۰ کتاب را شامل می‌شوند، همچنان میراثی زنده‌اند و تجربه‌های انسانی در دوران سختی‌ها را برای نسل‌های آینده حفظ می‌کنند. از اردوگاه‌های نازی تا سرکوب‌های کمونیستی و مبارزه با سانسور، زندگی او نمونه‌ای از مقاومت انسانی و قدرت ادبیات است. مرگ کلیما، هم‌چنین فرصتی است تا دستاوردهای او در ادبیات چک و جهان را مرور کنیم؛ نویسنده‌ای که همواره به دنبال تقریر حقیقت و تقلیل مرارت بود، از آزادی فردی دفاع کرد و با نوشتن به خوانندگان خود امید و درک عمیقی از زندگی در شرایط سخت ارائه داد. حتی پس از مرگ او، آثارش همچنان به عنوان منبعی ارزشمند برای فهم تاریخ، جامعه و انسانیت باقی خواهند ماند.

خانواده معمولی

ایوان کلیما در سال ۱۹۳۱ در پراگ، پایتخت چکسلواکی، به دنیا آمد. پدر او جوشکار بود و خانواده‌ای معمولی داشتند. در آن زمان چکسلواکی هنوز از پیامدهای جنگ جهانی اول رهایی نیافته بود و شرایط اقتصادی سخت مردم را تحت فشار قرار داده بود. به دنبال اشغال کشور در سال ۱۹۳۸ توسط نیروهای نازی، آزادی به یکی از دغدغه‌های اصلی زندگی کلیما تبدیل شد. سال ۱۹۴۱ زمانی که او تنها ۱۰ سال داشت، پدرش به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد و او

تلویزیون

تقریر حقیقت و تقلیل مرارت

ایوان کلیما نویسنده‌ای که با تعلق قلبی به سرزمین خود بود در ۹۴ سالگی درگذشت

و مادرش نیز به او ملحق شدند زیرا خانواده‌اش یهودی بودند. جالب است که تا قبل از رسیدن هیتلر به قدرت، ایوان کوچک حتی از یهودی بسودن والدینش آگاه نبود چراکه آن‌ها چندان مذهبی نبودند. تجربهٔ اردوگاه به کلیما نشان داد یک قدرت قاهر بیرونی می‌تواند در هر لحظه زندگی افراد را نابود کند. این تجربه، ذهن او را از همان کودکی با دیگر کودکان متفاوت ساخت و او را به درس بقا و فرار مجبور کرد.

آغاز فعالیت ادبی

پس از رهایی از اردوگاه نازی‌ها، ایوان کلیما مسیر زندگی خود را به‌طور جدی به سمت نویسندگی و روزنامه‌نگاری سوق داد. او به دانشگاه رفت و در رشتهٔ ادبیات و زبان چک تحصیل کرد، زمینه‌ای که پایه‌گذار آثار ادبی و تفکر عمیق او در سال‌های بعد شد. در سال ۱۹۵۸ کلیما با یک روان‌درمانگر ازدواج کرد و صاحب یک دختر و یک پسر شد، پیوندی که تا ۵۰ سال دوام آورد و نشان از زندگی زناشویی موفق او دارد، به ویژه که او خود اذعان داشت در همان دوران، حدود ۵۰ درصد هم‌نسلانش طلاق را تجربه کرده‌اند.

با این حال زندگی کلیما پس از آزادی، آرام و بدون دغدغه نبود. اشغال چکسلواکی توسط شوروی سپس حوادث بهار پراگ در سال ۱۹۶۸ دوره‌ای دشوار و پرتش را برای او رقم زد. در زمان یورش تانک‌های شوروی، کلیما در لندن بود و در راه رفتن به میشیکان برای تحصیل به سر می‌برد. وقتی مأموریت آموزشی او یک ساله شد، با دشوارترین انتخاب زندگی خود مواجه شد: آیا به تبعید خودخواسته در آمریکا تن بدهد یا نزد خانواده‌اش بازگردد؟ با وجود هشدارهای اطرافیان که می‌گفتند، بازگشت به چکسلواکی ممکن است به زندان یا سبیری ختم شود، کلیما که نویسنده‌ای با تعلق قلبی به سرزمین خود بود به میهنش بازگشت. او با محدودیت‌های شدیدی مواجه شد: گذرنامه و گواهی‌نامه رانندگی‌اش ضبط شد، تلفن او قطع شد، و تهدید شده بود اگر کتابی از او در خارج از کشور چاپ شود به زندان خواهد افتاد. او نیز مانند بسیاری از نویسندگان و روشن‌فکران آن

این سازمان و آن سازمان

مدیران دیروز صدا و سیما از تفاوت‌های این سازمان با دوران جنگ گفتند

قطع کند. این مساله‌ای بسیار مهم بود. با این حال عزیزی چون جناب کرباسچی که در آغاز و در خلال جنگ در صداوسیمما حضور داشتند، می‌توانند ما را از آنچه در آن ایام گذشت، بیشتر مطلع کنند». غلامحسین کرباسچی هم در ادامه با بیان تفاوت‌های صدا و سیمای امروز با زمان جنگ تاکید کرد: «به عقیده من اگر کسی قصد نوشتن تاریخچه‌ای از آنچه در دوران جنگ در صداوسیمما گذشت، داشته باشد نباید از مساله‌ای مهم و قابل توجه به سادگی گذر کند؛



شبکه‌خانی

فراخوان ماسک و سقوط سهام نتفلیکس

اعتراض ایلان ماسک باعث لغو اشتراک میلیون‌ها نفر شد

همزمان بسیاری از والدین و سیاست‌مداران محافظه‌کار به محتوای تولیدی این پلتفرم تاختند و آن را متهم به «ترویج مضامین جنسی و ایدئولوژی جنسیتی در برنامه‌های کودکان» کردند. مجموعه‌هایی مانند «بن‌یست: پارک فراطبیعی» و «تبدیل‌شوندگان: زمین اسپارک» به‌ویژه هدف انتقاد قرار گرفتند و کاربران زیادی با انتشار ویدیوهایی از این آثار از دیگران خواستند که اشتراک خود را لغو کنند. به دنبال این موج، هشتک Can-Netfliخ در شبکه‌های اجتماعی ترند شد و فشارها بر نتفلیکس افزایش یافت.

در پی شدت گرفتن این جنجال، سهام نتفلیکس در معاملات روز چهارشنبه ۳ درصد سقوط کرد و به پایین‌ترین سطح دو هفته اخیر خود یعنی ۱۱۶۳.۲۱ دلار در هر سهم رسید. به گفته تحلیل‌گران بازار، هرچند این افت به‌تثایی فاجعه‌بار نیست اما نشانه‌ای از نگرانی سرمایه‌گذاران نسبت به تأثیر مناقشات فرهنگی بر عملکرد مالی شرکت‌هاست. آنها هشدار داده‌اند که ادامه این روند می‌تواند موجب ریزش بیشتر ارزش بازار نتفلیکس شود. از اکتبر ۲۰۲۰ نتفلیکس رسماً از ۳۰ زبان برای اهداف رابط کاربری و پشتیبانی مشتری پشتیبانی می‌کند: عربی، چینی، کرواتی، چکی، دانمارکی، هلندی، انگلیسی، فنلاندی، فرانسوی، آلمانی، یونانی، عبری، هندی، مجارستانی، اندونزیایی، ایتالیایی، ژاپنی، کره‌ای، مالایی، نروژی، لهستانی، پرتغالی (برزیلی و اروپایی)، رومانیایی، روسی، اسپانیایی (کاستیا و آمریکای لاتین)، سواحیلی، سوئدی، تایلندی، ترکی و ویتنامی. در دسامبر ۲۰۲۴ نتفلیکس به ۳۰۱.۶۳ میلیون مشترک از جمله ۸۴ میلیون نفر در ایالات متحده رسید. نتفلیکس به جز ایران (به دلیل فیلترینگ)، سرزمین اصلی چین (به دلیل محدودیت‌های محلی)، سوریه، کره شمالی و کریمه (به دلیل تحریم‌های آمریکا) در سراسر جهان دسترس است.

این بحران همچنین پای سیاست‌مداران محافظه‌کار را به ماجرا باز کرد. نمایندگانی مانند مارجرئی تیلر گرین از اعضای راست‌گرای کنگره، نتفلیکس را به «تحمیل ایدئولوژی جنسیتی بر کودکان آمریکایی» متهم کرده‌اند. از سوی دیگر منتقدان لیبرال این واکنش‌ها را «بخشی از جنگ فرهنگی جدید راست آمریکا» می‌دانند که با هدف فشار بر رسانه‌ها و پلتفرم‌های فرهنگی صورت می‌گیرد. نتفلیکس هنوز به این تحریم‌ها و اظهارات پاسخخی رسمی نداده است اما گزارش‌ها از کاهش ۱۵.۱ میلیارد دلاری ارزش بازار آن طی روزهای اخیر حکایت دارد. این بحران تازه، یکی از سخت‌ترین آزمون‌ها در تاریخ فعالیت نتفلیکس محسوب می‌شود؛ بحرانی که نشان می‌دهد، شکاف‌های فرهنگی در رسانه‌های مجازی آمریکا اکنون مستقیماً به اقتصاد و بازارهای مالی نیز رسیده‌اند.

این اتفاق بار دیگر قدرت چهره‌های سرشناس حوزه فناوری را به نمایش گذاشت. ماسک پیش از این نیز از آنچه ویروس ذهن‌بیدار در محصولات سرگرمی می‌نامید، انتقاد کرده بود. او معتقد است برخی شرکت‌ها با اهداف ایدئولوژیک محتوایی تولید می‌کنند که با ارزش‌های جامعه همخوانی ندارد. حالا باید دید آیا این کارزار جدید می‌تواند، تأثیر بلندمدتی بر سیاست‌های محتوایی نتفلیکس و سایر رقبا بگذارد یا خیر.

ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و اسپیس ایکس در اظهارنظری جنجالی از میلیون‌ها دنبال‌کننده خود خواست، اشتراک نتفلیکس را لغو کنند. این درخواست، توفانی در شبکه‌های اجتماعی به پا کرده و باعث سقوط ارزش سهام غول استریم محتوا شده است. اما ماجرا از کجا شروع شد و چرا ماسک چنین موضع تندی علیه یکی از بزرگ‌ترین پلتفرم‌های سرگرمی جهان گرفته است؟ همه چیز به یک انیمیشن سریالی به نام Dead End: Paranormal Park و حواشی پیرامون آن برمی‌گردد. ماسک در شبکه اجتماعی ایکس با بازنشر پستی که به محتوای این انیمیشن انتقاد می‌کرد به این جریان پیوست. منتقدان معتقدند این انیمیشن که برای رده سنی ۷ سال به بالا تولید شده، حاوی مضامینی است که برای کودکان مناسب نیست. ایلان ماسک در واکنش به این موضوع نوشت این وضعیت اصلاً خوب نیست و از کاربران خواست برای سلامت فرزندان‌شان، اشتراک خود را لغو کنند. ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی و مالک شبکه اجتماعی ایکس گفت: «به دلیل محتوای «ووک» (خودآگاه‌پندار و چپ‌گرا) باید استفاده از نتفلیکس را کنار گذاشت. او در پیامی به دنبال‌کنندگان خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: برای سلامت فرزندان‌تان، اشتراک نتفلیکس را لغو کنید.

ماسک که روز گذشته با دارایی بالای ۵۰۰ میلیارد دلار به عنوان ثروتمندترین مرد تاریخ معرفی شد، پنج‌شنبه گذشته پا را فراتر گذاشت و پرسید: آیا باید نتفلیکس را بخرم و دوباره عظمت را به آن بازگردانم؟ پس از اظهارات ماسک، گروه‌های حامی جنبش MAGA (بازگشت عظمت به آمریکا) مدعی شدند، روند لغو اشتراک نتفلیکس شدت گرفته تا مانع تولید برنامه‌هایی شود که از دستورکارهای جنسیتی و هویتی حمایت می‌کنند.

ماسک همچنین ادعا کرد بیش از ۲۲۰ میلیون دنبال‌کننده شبکه اجتماعی ایکس برای حفاظت از سلامت فرزندان‌شان، اشتراک نتفلیکس را لغو کرده‌اند. پس از اقدام ایلان ماسک علیه آنچه «دستورکار ووک» در محتوای نتفلیکس خوانده می‌شود این غول استریمینگ با موجی از لغو اشتراک، افت سهام و از دست رفتن میلیاردها دلار از ارزش بازار خود روبه‌رو شده است؛ بحرانی که از فضای مجازی فراتر رفته و اکنون به وال‌استریت نیز سرایت کرده است.

ووک، اصطلاحی است که ابتدا در فرهنگ سیاه‌پوستان آمریکا به معنای «بیدار و آگاه نسبت به بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نژادی» استفاده می‌شد. اما در سال‌های اخیر، به‌ویژه در بحث‌های سیاسی و رسانه‌ای، این واژه گاهی به شکل انتقادی یا تمسخرآمیز به کار می‌رود و به افرادی یا جنبش‌هایی اطلاق می‌شود که بیش از حد روی مسائل هویت، تبعیض و عدالت اجتماعی تمرکز دارند.

ماجرای آنجا شدت گرفت که اظهارنظرهای جنجالی هامیش استیل، خالق یکی از مجموعه‌های نتفلیکس درباره چارلی کرک- فعال محافظه‌کار آمریکایی- خشم راست‌گرایان را برانگیخت. استیل در یکی از پست‌هایش، کرک را «نازی» توصیف کرده بود؛ اتفاقی که جرقه‌ای برای شروع اعتراضات علیه نتفلیکس شد.

می‌کنند و همین موضوع برای او منبع الهام بسیاری از آثارش شد.

میراث ایوان

ایوان کلیما پس از گذراندن زندگی‌ای پر از دشواری و مقاومت، به یکی از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان چک تبدیل شد، هرچند گفته می‌شود بعد از میلان کوندرا، او مشهورترین نویسنده چک است. با این حال در ایران، او برای بسیاری تازه کشف شده است و انتشار ترجمه سه کتاب «روح پراگ»، «در انتظار تاریکی، در انتظار روشنایی» و «کار گل»، او را به یکی از محبوب‌ترین نویسندگان برای جامعه کتاب‌خوان ایرانی تبدیل کرده است. ویژگی بارز آثار کلیما، بازنمایی دقیق و انسانی زندگی روزمره در شرایط سخت سیاسی و اجتماعی است. او نشان می‌دهد حتی در دل ستم و محدودیت، انسان‌ها هم‌چنان به عشق، خلاقیت و امید نیاز دارند. تجربه‌های او از اردوگاه‌های نازی، دوران زندگی در رژیم کمونیست و مبارزه با سانسور و محدودیت‌ها، الهام‌بخش رمان‌ها و داستان‌های او شده‌اند. کلیما با نوشتن، به نوعی آزادی و مقاومت فردی را تجربه می‌کرد و این تجربه را به خوانندگان خود منتقل می‌کرد. کلیما همواره تأکید داشته که آزادی، ارزشمندترین دستاورد زندگی اوست. او خود گفته است: «هرگز انتظار بهشت پس از نوامبر سال ۱۹۸۹ را نداشتم اما موفق شدیم، آزادی را به دست آوریم.» این نگاه، محور زندگی و آثار او را شکل داده است؛ دیدگاهی که انسان را تشویق می‌کند تا در هر شرایطی به حقیقت، عشق و شجاعت پایبند بماند. زندگی و آثار او هم‌چنین نشان می‌دهد، نویسندگی تنها یک حرفه یا شغل نیست بلکه وسیله‌ای برای بیان تجربه، نقد جامعه و تلاش برای تغییر است. کلیما با ارائه تصویری واقعی و عاطفی از زندگی تحت سرکوب، نه تنها خوانندگان را با خود همراه می‌کند بلکه آن‌ها را به تفکر درباره عدالت، آزادی و ارزش‌های انسانی و می‌دارد. آثار او همچون «عشق و زیاله»، «ناگهان در تابستان» و مجموعه داستان‌هایی مانند «اولین عشق‌های من» و «عشق‌های یک‌شبه» به نسل جدید یادآوری می‌کنند زندگی، با وجود محدودیت‌ها و فشارها، هنوز امکان تجربه عشق، شادی و رشد شخصی را دارد. هم‌چنین نشان می‌دهد، چگونه انسان‌ها می‌توانند در برابر سیستم‌های سرکوب‌گر مقاومت کنند و حتی از دل این مقاومت، خلاقیت و هنر زاده شود. میراث کلیما فراتر از داستان‌ها و رمان‌هاست؛ او نمادی از پایداری، تلاش برای آزادی فردی و اهمیت حقیقت در زندگی انسانی است. با نگاه به زندگی او، می‌توان دریافت که نوشتن و بیان تجربه نه تنها ابزاری برای بقاست بلکه عاملی است برای شکل‌دهی به فرهنگ و تاریخ یک ملت.

تجربه عشق و زندگی پس از فروپاشی

ایوان کلیما آثار متعددی دارد که در آن‌ها ترکیبی از عشق، حقیقت، تهور و فلسفه قابل مشاهده است. او خود می‌گوید، گفتن حقیقت در زندگی سیاسی‌اش به مراتب آسان‌تر از زندگی عشقی او بوده است زیرا عشق، خیانت و آشتی، مسائلی بودند که اغلب مردم را به شدت درگیر می‌کردند. به باور کلیما در جامعه‌ای تهی از حقیقت زندگی، مردم در خیال‌پردازی‌های رمانتیک خود اغراق



دوره در لیست سیاه دولت کمونیست قرار گرفت و مجبور بود، مشاغل پست مانند جاروکنشی خیابان‌ها یا رانندگی آمبولانس را تجربه کند. با وجود همه محدودیت‌ها، کلیما تصمیم گرفت به سبک خود با سرکوب مقابله کند. او انجمن کتاب‌خوانی کوچکی با ۴۵ عضو تشکیل داد که هر هفته دور هم جمع می‌شدند و نوشته‌های تازه خود را می‌خواندند. اعضای این گروه شامل چهره‌های شناخته‌شده‌ای همچون هاوِل و میلان کوندرا نیز بودند. با گذشت زمان و نفوذ یک عضو خیانتکار به انجمن، اعضا مجبور شدند راه جدیدی برای انتشار نوشته‌ها پیدا کنند: چاپ و گردش نسخه‌های کپی شده رمان‌ها و نمایش‌نامه‌ها در میان دوستان و استفاده از شبکه‌های زیرزمینی تا جایی که طی ۱۸ سال ۳۳۰ اثر با این روش منتشر شد و نسخه‌هایی از آن‌ها حتی به خارج از کشور قاچاق و در ۲۰ کشور دنیا با اسم مستعار چاپ شد. تجربیات کلیما از این دوران سخت، پایه و ستون آثار او شدند و به ویژه در شرح زندگی روزمره شهروندان تحت سلطه یک رژیم سرکوبگر در آثارش نمود پیدا کردند.

چندین برابر شود. بنابراین ما چندان نیرویی از بیرون وارد صداوسیما نکردیم و اکثر نیروها همان‌ها بودند که پیش‌تر حضور داشتند چراکه خوانماخواه جذب و ویرینی شده بودند که در اوایل انقلاب، پیش چشم‌شان چیده شده بود. هر چند بعدتر فاصله‌هایی افتاد که به مرور عمیق و عمیق‌تر شد».

ابطحی در این گفت‌وگو از اتفاقی که پس از یکی از حمله‌های ایران به عراق رخ داد، گفت که باعث عزل محمد هاشمی شد و تعیین محمدجواد لاریجانی به جای او شد اما امام با شنیدن این ماجرا، کل شورای سرپرستی صداوسیما را عزل کردند و دوباره هاشمی را بر سر سمت خود بازگرداندند: «پس از یکی از پیروزی‌های به دست آمده در جبهه، تصنیف «سپیده» استاد محمدرضا شجریان را پخش کردیم. همان زمان جناب آقای خامنه‌ای با من تماس گرفتند و گفتند پس از پیروزی به این عظمت چرا چنین تصنیفی پخش می‌کنید؟ تعبیر ایشان از این تصنیف آن بود که گویی در حال روضه‌سرایی برای ایران ویران شده، هستیم. در واقع می‌خواهم بگویم چنین حساسیت‌هایی هم وجود داشت. اما امام به ماجرای ورود کردند و مجدداً جناب هاشمی را به صداوسیما برگرداندند».

پورمحمدی که در دوران جنگ، مدیریت شبکه یک را برعهده داشت درباره فعالیت در آن دوره توضیح داد: «ما از ساخت برنامه‌های طنزآمیز نیز به هیچ عنوان غفلت نمی‌کردیم. به عنوان مثال سریال «سلطان و شهبان» در زمان جنگ، روانه آتن شد یا برنامه «سیمای اقتصاد» که هم مدیریت اقتصاد را به مردم می‌آموخت و هم شامل آیت‌های طنزآمیز بود. ما در مورد تبیین تاریخ ایران، ایدئولوژی اسلامی و... احساس مسئولیت می‌کردیم. در نتیجه با وجود محدودیت‌ها و کمبود بودجه، سریال‌هایی عظیم می‌ساختیم. مثلاً ساخت «سربداران» اگر چه در دوران مدیریت من آغاز نشد و من سیزدهمین مدیری بودم که چک‌های این سریال به امضایم رسید اما نهایتاً در زمان جنگ ساخته شد یا سریال‌های «کوچک جنگلی»، «امیرکبیر»، «شاه‌شکار»، «گرگ‌ها خاکستری رنگند»، «پاپیز صحرای» و... در آن زمان هم‌چنین تئاترهای تلویزیونی فاخری نیز ساخته شدند. ازجمله «آینه خیال»، «سوزن‌بانان»، «توطئه شوم» و... این اتفاقات با مدیریتی صحیح، با همکاری جوانمردانه پرسنل جدید و قدیم صداوسیما و از جان‌گذشتگی و زحمات آنها رخ داد تا در کنار حفظ روحیه عمومی، تقویت جریان اعزام نیروها به جبهه، انتقال پیام‌های انقلابی به جامعه، مدیریت مسائل اقتصادی و... بتوان با مشکلات ساخت و تحمل کرد تا ان‌شالله بار جنگ به زمین گذاشته و پیروزی حاصل شود».

مساله تفاوت صداوسیما در آن سال‌ها با اکنون. واقعیت این است که اصل مطلب، ارتباط با مردم و جلب توجه و اعتماد آن‌هاست و کاری که صداوسیما باید انجام دهد، مرتبط کردن نظام سیاسی با توده مردم است. صداوسیما در آن زمان، منبع اصلی خبر و مورد اعتماد مردم بود. تا جایی که حتی روزنامه‌ها نیز به نسبت صداوسیما از برد آنچنانی برخوردار نبودند و بارها از زبان مردم می‌شنیدید که فلان مطلب، موقی است چون از تلویزیون یا رادیو بیان شده است. این مردم و اعتمادشان، سرمایه اصلی صداوسیما بودند و همراهی‌شان با صداوسیما ابداً با شرایط کنونی قابل مقایسه نبود. اینکه ما با رسانه‌ای مورد اعتماد مردم چه کردیم که چنین وضعیتی پیش آمد و به تبع به جای ما به سمت رسانه‌های دیگر رفتند، اسباب تأسفی عمیق است. رسانه‌هایی که طبیعتاً با منافع ملی ما همراه نیستند». او درباره نیروهایی که در آن زمان در این سازمان مشغول به کار بودند، توضیح داد: «حس میهن‌پرستی و علاقه به وطن در کارمندان قدیمی صداوسیما، حسی بسیار قوی بود. هرچند در نهایت ممکن بود، حرف ما را هم چندان قبول نداشته باشند. ضمن اینکه انقلاب و به‌خصوص آنچه در اوایل از زبان مسئولین شنیده می‌شد و بعد هم جنگ باعث شده بود، روحیه مسئولیت‌پذیری و عرق به کار در آنها



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

حذف صفرها

آیا حذف صفرهای پول ملی بر تورم تاثیر می گذارد؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی اخیر خود با تصویب لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور، گام مهمی در راستای حذف چهار صفر از پول ملی برداشت. این مصوبه که با ۱۴۴ رأی موافق، ۱۰۸ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۶۲ نماینده حاضر به تصویب رسید، پس از رفع ایرادات شورای نگهبان، چارچوب قانونی برای اجرای این طرح را فراهم کرد. بر اساس این لایحه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است، ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون، ترتیبات اجرایی لازم برای آغاز دوره گذار را فراهم کند. همچنین دوره گردش موازی واحد پول جدید (ریال) و واحد پول فعلی (ریال جاری) که به عنوان دوره گذار شناخته می‌شود، حداکثر ۳ سال خواهد بود. بدین ترتیب در صورت تأیید نهایی شورای نگهبان، فرآیند حذف چهار صفر از پول ملی ظرف ۵ سال آینده به طور کامل عملیاتی خواهد شد. این اقدام به منظور کارآمدسازی نظام پولی، تسهیل مبادلات مالی و کاهش پیچیدگی‌های محاسباتی ناشی از تعداد زیاد صفرها در واحد پول ملی طراحی شده است. ماده واحده مصوب مجلس به بند الف ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی (مصوب سال ۱۴۰۲) اضافه شد و شامل ۵ تبصره است که جزئیات اجرایی طرح را مشخص می‌کند. بر اساس تبصره اول، برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز توسط بانک مرکزی در چارچوب نظام ارزی حاکم و با توجه به ذخایر ارزی و تعهدات قانونی کشور تعیین خواهد شد. تبصره دوم، دوره گذار ۳ ساله را تعریف کرده و شرایط جمع‌آوری اسکناس‌ها و سکه‌های ریال جاری را مشخص می‌کند. تبصره سوم تأکید دارد که پس از پایان دوره گذار، تمامی تعهدات مالی پیشین تنها با واحد پول جدید (ریال یا اجزای آن مانند قران) قابل اجرا خواهد بود. تبصره چهارم، بانک مرکزی را مکلف می‌کند تا ظرف دو سال مقدمات اجرایی را فراهم کرده و آغاز دوره گذار را از طریق رسانه‌های رسمی اعلام کند. همچنین تبصره پنجم بانک مرکزی را موظف به تهیه آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف ۳ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن و تصویب آن توسط هیات وزیران کرده است. شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در جریان بررسی این لایحه تأکید کرد که حذف ۴ صفر از پول ملی برای کارآمدسازی اسکناس‌ها و تسهیل مبادلات مالی اهمیت بسزایی دارد. وی اشاره کرد که واحد پول ایران به دلیل تعداد زیاد صفرها، یکی از ضعیف‌ترین واحدهای پولی در جهان است و این موضوع مشکلات محاسباتی متعددی را ایجاد کرده که نیازمند اصلاح است. از سوی دیگر حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی با انتقاد از این طرح، اظهار کرد که حذف ۴ صفر اولویت اصلی کشور نیست و تقویت ارزش پول ملی باید در اولویت قرار گیرد. وی با طعنه به موضوع پرستش پول ملی اشاره کرد و گفت که اگر هدف افزایش اعتبار پول ملی است شاید حذف ۵ صفر تأثیر بیشتری داشته باشد. این اظهارات نشان‌دهنده وجود دیدگاه‌های متفاوتی در میان نمایندگان نسبت به این طرح است. یک عضو کمیسیون اقتصادی با اشاره به بعد روانی حذف ۴ صفر اظهار کرد که این اقدام می‌تواند، نام «ریال» که به دلیل ارزش پایین عملاً از چرخه مبادلات حذف شده بود را احیا کند. به گفته وی، مردم به دلیل کوچک بودن واحد ریال به استفاده از واحدهای غیررسمی مانند تومان و همت روی آورده‌اند. انارکی تأکید کرد که حذف ۴ صفر تأثیر مستقیمی بر تورم، اقتصاد کلان یا معیشت مردم نخواهد داشت اما می‌تواند از تعریف واحدهای غیررسمی جدید جلوگیری کند. او همچنین اشاره کرد که با توجه به کاهش استفاده از اسکناس و حرکت به سمت بانکداری الکترونیک، هزینه‌های چاپ اسکناس جدید چندان قابل توجه نخواهد بود. مخالفان این طرح معتقدند که در شرایط کنونی کشور، مسائل مهم‌تری مانند تقویت ارزش پول ملی و کنترل تورم باید در اولویت قرار گیرد. از منظر اجرایی، دولت دو سال فرصت دارد تا زیرساخت‌های لازم را فراهم کند اما این امکان وجود دارد که این فرآیند زودتر انجام شود. با توجه به تجربه دیگر کشورها در حذف صفر از پول ملی، این اقدام می‌تواند به سادسازی محاسبات مالی و بهبود نظام پولی کمک کند، هرچند تأثیرات آن عمدتاً در حوزه‌های محاسباتی و روانی خواهد بود و تأثیر مستقیمی بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم یا رشد اقتصادی نخواهد داشت.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

سنگ و سکوت

درباره ماکو شهری که میان افسانه و توسعه است و تلاش می کند بیدار شود

اکبر منتجبی

سردبیر

در شمال‌غربی‌ترین نقطه ایران، جایی که کوه‌ها چون دیوارهایی سنگی بر افق ایستاده‌اند، شهری نشسته است که هم‌زمان با تاریخ، جغرافیا و افسانه‌ها نفس می‌کشد: ماکو. شهری که در نگاه اول، تنها یک خیابان سراسری دارد و در نگاه دوم، هزاران داستان ناگفته.

ماکو، با همه ظرفیت‌های نهفته‌اش، در آستانه یک انتخاب تاریخی ایستاده است. ماندن در حاشیه یا جهش به متن توسعه ملی. این شهر، که روزگاری محل زندگی مغ‌ها و چراگاه مادها بود، امروز می‌تواند به نقطه اتصال ایران با جهان بدل شود. اگر توسعه، نه فقط در پروژه‌های عمرانی بلکه

در جان مردم، در مدرسه‌های روستایی؛ در گسترش گردشگری؛ در روایت‌های رسانه‌ای و نیز در عدالت، معنای جدیدی یابد.

در میان مردم ماکو، داستانی دهان‌به‌دهان می‌چرخد که مربوط به گذشته است اما هنوز ماجرایش برای آنها جذاب و البته تا حدی پنهان است و آن هم کشف یک تریلی از دو تریلی حامل شمش‌های طلا. آنها معتقدند که قاچاقچیان به دنبال خروج شمش‌های طلای ایران از گمرک ماکو بودند که البته لو رفتند. یکی از دو تریلی را ماموران گرفتند و برای عوامل آن پرونده‌های قضایی تشکیل دادند اما دومی آب شد و به زمین رفت. برخی با هیجان موضوع را مطرح می‌کنند که تریلی دوم با بارش چال شده است! البته که این بیشتر از آنکه به حقیقت نزدیک باشد به شایعه نزدیک است اما آنچه اهمیت دارد، فقر شهر و افسانه‌سازی از قاچاقچیان است.

نتیجه آنکه مناطق آزاد نه در ماکو که در سراسر ایران به جای آنکه محلی برای توسعه و جابه‌جایی قانونی کالا باشند، در سالیان پیشین به محلی برای قاچاق تبدیل شده بودند که اکنون یکی از تلاش‌های مدیریت جدید و دبیرخانه این مساله است که مناطق را به مأموریت اصلی خود بازگرداند. آن هم در این روزها که تحریم‌های سازمان ملل برگشته و مکانیسم ماشه اجرایی شده است، توجه به مناطق آزاد باید آنچنان جدی باشد که فراتر از یک سازمان زیرمجموعه وزارت اقتصاد به آن نگریده شده شود. شاید لازم باشد که دبیرخانه دوباره ارتقا یابد و زیرنظر رئیس‌جمهور فعالیتش را ادامه دهد. اما ماکو در دره‌ای سنگی میان دو کوه قیه و سبد

قرار دارد. از ارتفاعاتش می‌توان چهار کشور را دید. ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و حتی عراق. این موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر آن را به نقطه‌ای استراتژیک برای گردشگری، تجارت و دیپلماسی بدل کرده است. تصاویر ثبت شده از مرزهای ماکو از جاده‌های باریک و فرسوده تا نقطه صفر مرزی با ترکیه نشان می‌دهد که این شهر با وجود ظرفیت‌های عظیم هنوز درگیر زیرساخت‌های ابتدایی است.

رودخانه ارس، که در نزدیکی ماکو جاری است، نه فقط مرز جغرافیایی بلکه شکاف حافظه‌ای است میان آنچه بود و آنچه هست. در ادبیات مردم، ارس نه فقط رود بلکه استعاره‌ای است از فقدان و امید.

نام ماکو، خود روایتی است از چند لایه تاریخی. در زبان زرتشتی «مغ» به معنای روحانی است و «ماغ‌کوی» یعنی شهر روحانیان زرتشتی. یاقوت حموی نیز بر این باور بود که ماکو، محل زندگی موبدان بوده است. در زبان ارمنی «ماکو» به معنی چراگاه است و این با دشت‌های اطراف شهر هم‌خوانی دارد. برخی نیز ریشه نام را در «مادکوه» می‌دانند، اشاره به سکونت مادها در زمان ایشئوویگو. در دوره‌های مختلف از ساسانیان تا صفویان، ماکو محل نزاع، عبور و سکونت اقوام گوناگون بوده است. قلعه قابان، که شاه عباس آن را ویران کرد، نماد همین تاریخ پرتنش است. ماکو با چشم‌اندازهای طبیعی کم‌نظیر از کوه‌های آرارات تا دشت‌های سنگی، مقصدی بالقوه برای گردشگری است. اما زیرساخت‌ها هنوز ابتدایی‌اند. فعلا تنها هتل شهر، هتل

جهانگردی ماکو است که در منطقه‌ای خوش‌منظره شهر واقع شده اما حتی دو ستاره برای آن زیاد است. با این حال حسین گروسی، رئیس منطقه آزاد ماکو خبر می‌دهد که به زودی یک هتل ۵ ستاره درجه یک در این شهر راه‌اندازی می‌شود. هتل را دیدیم اگر راه‌اندازی شود، می‌تواند هم آبروداری کند و هم مسافران جدیدی را ترغیب کند تا به این شهر بیایند.

اما منطقه آزاد ماکو که بزرگ‌ترین منطقه آزاد ایران به لحاظ وسعت نام گرفته است این روزها سراپا در تلاش است. در نقطه‌ای که کوه‌های خاموش مرز را تعریف می‌کنند و جاده‌ها هنوز با خاطره فرسودگی نفس می‌کشند، منطقه‌ای آزاد ماکو، تلاشش پیوند ایران با سه کشور ترکیه، ارمنستان و آذربایجان است.

در سال‌های اخیر با انتصاب حسین گروسی به



ریاست این سازمان، تلاش‌هایی برای بازتعریف نقش ماکو در اقتصاد ملی آغاز شد. گروسی که در سخنرانی‌هایش، خبرنگاران را «ستون‌های توسعه پایدار» می‌نامد بر شفافیت، سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت زیرساخت‌های مرزی تأکید کرده است. طرح‌هایی برای گسترش کریدور شرق- غرب، تسهیل تجارت با ترکیه و ایجاد مناطق صنعتی در دستورکار قرار گرفته‌اند. در جریان سفر جمعی از مدیران رسانه‌های کشور به این منطقه، حسین گروسی در میان پروژه‌های نیمه‌تمام و چشم‌اندازهای خاک خورده از آینده‌ای سخن گفت که هنوز در حال شکل‌گیری است. زون‌های لجستیکی A و B با مساحت‌هایی بالغ بر ۳۶۰ هکتار و میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری، قرار است به قلب تپنده تجارت مرزی بدل شوند. اما در شهری که هنوز تنها یک خیابان سراسری دارد این وعده‌ها بیشتر شبیه نقشه‌هایی‌اند که بر کاغذ کشیده شده‌اند تا بر زمین. ساخت گمرک ورودی با طراحی مدرن، مرکز مبادلات ساری‌سو برای تجارت با ترکیه و نیروگاه خورشیدی ۹ مگاواتی در محوطه فرودگاه، همگی نشانه‌هایی‌اند از تلاشی برای پیوند زدن ماکو به جریان‌های جهانی. اما در پس این پروژه‌ها، پرسشی اساسی باقی است: آیا توسعه، تنها به معنای ساخت‌وساز است یا باید با زیست مردم، با حافظه جمعی و با روایت‌های محلی گره بخورد؟ سد ارس و تفرجگاه پیرامونی‌اش، باغ گردو و پسته در دشت زیدون و بازارچه‌های مرزی همگی جلوه‌هایی هستند از

تلفیق طبیعت و اقتصاد. اما همان‌طور که گروسی اشاره کرد، ماکو هنوز آن‌طور که باید شناسانده نشده است. وسعت زیاد منطقه، پراکندگی خدمات و نبود روایت‌گری مؤثر رسانه‌ای باعث شده این منطقه در حاشیه بماند.

در میان آمارها و پروژه‌ها، گروسی از مسؤولیت اجتماعی نیز سخن گفت. مدرسه‌سازی، آبرسانی به روستاهای تشنه و راه‌سازی در دل کوه. اینها، اگر با پیوست فرهنگی و رسانه‌ای همراه شوند، می‌توانند به بخشی از روایت جدید ماکو بدل شوند. روایتی که نه فقط از توسعه بلکه از عدالت، مشارکت و معنا سخن می‌گوید.

ماکو با همه ظرفیت‌هایش هنوز در آستانه ایستاده است. و شاید آنچه بیش از همه نیاز دارد نه فقط سرمایه‌گذاری بلکه شنیدن صدای مردم. دیدن تاریخ فراموش شده و ساختن آینده‌ای است که از دل خاک، نه از پشت میز، آغاز شود.

با این حال در خیابان‌های ماکو، واقعیت چیز دیگری است. جاده‌های باریک و پرخطر و نبود خدمات پایه‌ای برای گردشگران، نشان می‌دهد که فاصله میان برنامه‌ریزی و زیست روزمره هنوز زیاد است. مردم ماکو که سال‌هاست با وعده‌های توسعه زندگی کرده‌اند حالا با نگاهی آمیخته به شک و امید، تحولات منطقه آزاد را دنبال می‌کنند. یکی از روستائیان را دیدم که می‌گفت، مراتع آنها به جاده تبدیل شده‌اند. با سخاوتمندی خاصی می‌گفت ما پول زمین و مراتع خودمان را نمی‌خواهیم چون جاده که بیاید برای ما هم خوب است اما به جای آن برای ما مدرسه بسازند. مشکلات زیربنایی روستای ما را حل کنند و کمی هم به مردم برسند.

منطقه آزاد ماکو، اگر بخواهد از مرز شعار عبور کند باید به زیرساخت‌هایی برسد که نه فقط سرمایه‌گذار خارجی بلکه شهروند محلی را به رسمیت بشناسد. توسعه، در نهایت، نه در آمارهای صادرات بلکه در کیفیت زندگی، در خیابان‌های امن، در هتل‌هایی قابل اقامت و در روایتی صادقانه از آینده معنا پیدا می‌کند. ماکو شهری است با پتانسیل‌های عظیم. موقعیت مرزی با چهار کشور؛ چشم‌اندازهای طبیعی و تاریخی؛ ریشه‌های فرهنگی و مذهبی عمیق؛ منطقه آزاد با ظرفیت‌های اقتصادی. اما این پتانسیل‌ها هنوز در بند زیرساخت‌های ناکارآمد، مدیریت‌های ناپایدار و بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی‌اند. اگر منطقه آزاد ماکو بتواند با برنامه‌ریزی دقیق، مشارکت مردمی و شفافیت رسانه‌ای این ظرفیت‌ها را آزاد کند، ماکو می‌تواند به قطب گردشگری، تجارت و

فرهنگ در شمال‌غرب ایران بدل شود و این شدنی است. ماکو با کوه‌های خاموش و رودخانه‌های حافظه‌دارش آماده است تا دوباره دیده شود. و این دیدن، نه فقط با دوربین‌های خبری بلکه با چشم توسعه، با گوش شنوا و با اراده‌ای ملی ممکن خواهد شد. آینده ماکو، اگر بخواهد از خاک برخیزد باید با مردمش آغاز شود و با نهادهی که صدای آنها را به گوش تصمیم‌گیران می‌رساند. این نهاد امروز می‌تواند، سازمان منطقه آزاد ماکو باشد؛ و دبیرخانه‌ای که مأموریتش را جدی‌تر از همیشه دنبال می‌کند. سازمان منطقه آزاد ماکو با مدیریت تازه‌نفس و رویکردی شفاف، نشان داده که می‌خواهد از مرز شعار عبور کند. پروژه‌های لجستیکی، انرژی پاک، گردشگری و کشاورزی، اگر با مشارکت واقعی مردم و پیوست فرهنگی همراه شوند، می‌توانند ماکو را از یک شهر مرزی به یک قطب منطقه‌ای بدل کنند. این مسیر البته نیازمند حمایت مستمر، نظارت دقیق و روایت‌گری صادقانه است.

در این میان، نقش دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد حیاتی‌تر از همیشه است. در روزگاری که تحریم‌ها بازگشته‌اند و اقتصاد ملی نیازمند تنفس در مرزهاست، مناطق آزاد باید فراتر از ساختارهای اداری دیده شوند به‌مثابه موتورهای توسعه، دیپلماسی اقتصادی و عدالت منطقه‌ای. ارتقای جایگاه دبیرخانه، بازتعریف مأموریت‌ها و اتصال آن به سطح ریاست‌جمهوری نه یک امتیاز سیاسی بلکه یک ضرورت راهبردی است.

۱۰ سال زودتر

گزارش‌ها نشان می‌دهد مردم ایران زودتر از مردمان سایر کشورها سکنه می‌کنند



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

گزارش‌های علمی و بالینی در ایران نشان می‌دهد، میانگین سن بروز سکنه مغزی در کشور حدود ۱۰ سال پایین‌تر از متوسط جهانی است. این داده پزشکی ساده به نظر می‌آید اما در عمق خود نشانه‌ای از ترکیب پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، زیست‌محیطی، بهداشتی و فرهنگی است که موجب می‌شود، سکنه مغزی در ایران زودتر از کشورهای توسعه‌یافته و حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه رخ دهد.

بررسی‌های جهانی نشان می‌دهد، بار اصلی سکنه در کشورهای با درآمد متوسط و پایین متمرکز است و میانگین سنی بروز سکنه در همین کشورها کمتر است. مطالعات داخلی در ایران نیز تأیید می‌کند که سن بستری بیماران سکنه مغزی اغلب در محدوده میانسالی تا اوایل دهه ۶۰ قرار دارد. به همین دلیل است که در مقایسه با کشورهای پردرآمد جهان، سکنه در ایران حدود یک دهه زودتر رخ می‌دهد.

نقش عوامل خطر شایع

فشار خون بالا در بخش بزرگی از جمعیت بزرگسال ایران وجود دارد و درصد بالایی از بیماران یا دیر تشخیص داده

رسانه

لشگر جعلی

درباره افشاگری روزنامه اسرائیلی هاآرتص درباره تبلیغ پهلوی و سلطنت با حساب‌های جعلی و فیک

گروه اجتماعی: روزنامه اسرائیلی هاآرتص به همراه TheMark-er و با کمک اطلاعات فنی مرکز تحقیقاتی سیتیزن لپ کانادا، یک کارزار سایبری گسترده در فضای مجازی فارسی‌زبان را افشا کرده‌اند. بر اساس این منابع، این کارزار که «پروژه پهلوی» نام گرفته با استخدام فارسی‌زبانان بومی و ایجاد شبکه‌ای از حساب‌های کاربری جعلی در پلتفرم‌هایی مانند ایکس (توییتر سابق)، اینستاگرام و تلگرام درصدد ترویج بازگشت سلطنت پهلوی بوده است. حساب‌های یادشده با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، پیام‌هایی تولید می‌کنند که وانمود می‌کنند از دل جامعه ایرانی برخاسته است؛ اما در واقع خروجی یکی عملیات روانی تل‌آویو برای بزرگ‌نمایی خواست بازگشت شاهنشاهی ایران است. به نوشته این منابع، یکی از اهداف مشخص پروژه، خلق تصویر مثبت از خانواده پهلوی در افکار عمومی و مطرح کردن موضوع بازگرداندن سلطنت بوده است.

محققان سیتیزن لپ پیش‌تر نیز با رصد شبکه‌های اجتماعی اسرائیل، گزارش داده بودند که چنین کارزارهایی معمولاً توسط نهادهای دولتی یا پیمانکاران آنها هدایت می‌شوند. به عبارت دیگر آن‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهد، کارزار فارسی‌زبان مورد اشاره به‌طور غیرمستقیم توسط بازیگرانی مرتبط با دولت اسرائیل تأمین مالی می‌شد و فارسی‌زبانان برای آن استخدام شده بودند تا با حساب‌های جعلی روایت درخواست سلطنت را جا بیندازند.

نکته مهم این است که این کارزار هم‌زمان با حملات نظامی اسرائیل به ایران (از جمله بمباران زندان اوین) به راه افتاد. شبکه‌ای که سیتیزن لپ آن را «فرار از زندان» نام‌گذاری کرده، در همان روز حمله با پیش‌دستی رسانه‌های رسمی، مشغول انتشار گزارش‌های جعلی از «انفجار در حوالی زندان اوین» شد. چند دقیقه پس از آغاز حمله، یک ویدئوی ساختگی که نمایانگر بمباران زندان بود در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد؛ اقدامی که حکایت از هماهنگی قبلی با نقشه‌های ارتش اسرائیل داشت و امکان اجرای آن را بدون اطلاع از زمان‌بندی حمله محل تردید می‌کرد. پس از این اتفاق، حساب‌های هم‌سو نیز از کاربران خواستند برای «آزاد کردن بستگان‌شان» مقابل زندان تجمع کنند؛ نشانه‌ای دیگر از تلاش این پروژه برای دامن زدن به بی‌ثباتی داخلی.

در کنار عملیات اشاعه گزارش‌های جنگی، کارزار ایرانی-اسرائیلی یادشده بر فضای مجازی فارسی‌زبان نیز گسترش یافت. محققان مستقل صدها حساب فارسی‌زبان در ایکس را شناسایی کرده بودند که با هشتگ‌هایی چون «#شاه_رضا_پهلوی»

می‌شوند یا کنترل مناسبی دریافت نمی‌کنند. دیابت هم در ایران شیوع بالایی دارد و دامنه آن به گروه‌های سنی جوان‌تر رسیده است. چاقی و سندرم متابولیک در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته و بار سکنه را سنگین‌تر کرده است. مصرف دخانیات، به‌ویژه در مردان و در قالب سیگار و قلیان همچنان یکی از عوامل مهم خطر‌ساز است. ترکیب این بیماری‌ها و عادات، سن بروز سکنه را در ایران پایین‌تر می‌آورد.

ضعف در کنترل و خدمات درمانی

یکی از دلایل اصلی پایین بودن سن سکنه در ایران، ضعف در تشخیص به موقع و کنترل بیماری‌های زمینه‌ای است. بسیاری از افراد مبتلا به فشار خون یا دیابت از بیماری خود آگاه نیستند یا درمان منظم دریافت نمی‌کنند. افزون بر این دسترسی به خدمات اورژانسی و تخصصی سکنه در سراسر کشور یکسان نیست. درمان‌های فوری مانند تزریق داروهای حل‌کننده لخته یا روش‌های مداخله‌ای عروقی اگر در ساعات اولیه انجام شوند، می‌توانند از مرگ و ناتوانی جلوگیری کنند. اما در ایران پوشش جغرافیایی مراکز مجهز و هماهنگی کامل شبکه‌های درمانی هنوز کامل نیست و همین باعث می‌شود، بیماران بسیاری فرصت طلایی درمان را از دست بدهند. ابعاد اجتماعی و فرهنگی ماجرا نیز بسیار مهم است. در ایران سیاست‌های پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر از

جمله مالیات بر دخانیات، کاهش مصرف نمک و چربی یا ترویج فعالیت بدنی به‌طور جدی و فراگیر اجرا نشده است. الگوهای غذایی پرنمک و پرچرب، سبک زندگی کم‌تحرک و نابرابری‌های اقتصادی، زمینه را برای بروز بیماری‌های قلبی و عروقی در سنین پایین‌تر فراهم می‌کنند. این واقعیت همراه با فشارهای روانی و استرس‌های مزمن اجتماعی، تصویری کامل‌تر از چرایی جوان‌تر بودن سکنه در ایران ارائه می‌دهد.

مقایسه با کشورهای منطقه و جهان

در ترکیه یا عربستان سعودی میانگین سن سکنه در محدوده ۶۰ سالگی گزارش شده است. این کشورها نیز نسبت به اروپا و آمریکای شمالی با سکنه در سنین پایین‌تر مواجه‌اند اما داده‌ها نشان می‌دهد، روند در ایران شدیدتر است. در اروپا و آمریکای شمالی سکنه معمولاً در دهه هفتم زندگی رخ می‌دهد، در حالی که در ایران در دهه ۶۰ یا حتی پایین‌تر ششایع است. این شکاف ۱۰ ساله به‌خوبی نشان می‌دهد که ترکیب عوامل خطر و کیفیت خدمات سلامت چگونه مسیر متفاوتی را در ایران رقم زده است.

مختلف داخلی با تترهایی چون «پروژه مشترک تل‌آویو و رضا پهلوی برای بی‌ثبات‌سازی ایران» به بازتاب خبر پرداختند. این نشریه‌ها کارزار به راه افتاده را نشانه‌ای از توطئه‌چینی دشمن دانسته و هشدار داده‌اند که تحلیل‌گران داخلی و خارجی، محبوبیت پهلوی را مصنوعی و «ابزاری مصرفی» برای تبلیغات اسرائیل توصیف می‌کنند. برخی فعالان مدنی و منتقدان نیز از این افشاگری به‌عنوان فرصتی برای یادآوری کارنامه حکومت پهلوی در سرکوب و فساد استفاده کرده و تأکید داشتند که چنین کارزارهایی نه تنها مشروعیت داخلی را ارتقا نمی‌دهد بلکه مردم را در برابر نیروهای خارجی هوشیارتر می‌کند. به گفته برخی منتقدان، هزاران حساب جعلی و ویدئوهای فیک، خاطره تاریخی مردم از شکنجه‌گاه‌ها و فساد پهلوی را پاک نخواهد کرد. در سطح بین‌المللی، واکنش رسمی برجسته‌ای غیر از انتشار گزارش‌ها مشاهده نشد اما تحلیل‌گران مسلط بر فضای ایران می‌گویند، رسوایی اخیر پیامد ناخواسته‌ای هم برای حامیان پهلوی دارد: برخی رسانه‌ها خود اذعان کرده‌اند که پهلوی بیشتر مهره‌ای تبلیغاتی است تا رهبر آینده؛ سرمایه‌گذاری وسیع بر او پر هزینه و کم‌ثمر جلوه کرده است. این در حالی است که ایده بازگشت سلطنت، سال‌هاست در ایران محبوبیت چندانی نداشته و حتی در جریان اعتراضات اخیر نیز جایی نیافته است. در نتیجه، دست‌اندرکاران این عملیات احتمالاً بیش از آنکه چهره واقعی پهلوی را تغییر دهند، پرده‌ای دیگر بر بی‌اعتمادی ایرانیان به مداخلات خارجی کشیده‌اند.

گزارش‌های اخیر و واکنش‌های بعدی نشان می‌دهد که «پروژه پهلوی» بیش از آنکه بازتاب علاقه ملت ایران به شاهزاده بازگشته باشد، مصداقی از جنگ روانی علیه ایران است که از ابزارهای هوش مصنوعی و شبکه‌های جعلی بهره می‌گیرد. کارشناسان معتقدند همین وابستگی مخفیانه به بازیگران خارجی، اشتباهی سیاستی است که دیرزمانی حکومت پدر پهلوی را ساقط کرد؛ آنان هشدار می‌دهند که اتکا به رضا پهلوی از خارج نیز هرگز او را به موقعیت رهبر مشروع در ایران نخواهد رساند. به بیان دیگر، «افسون سلطنت» که در سالیان اخیر دلخواه هیچ اقشاری در ایران نبوده هنوز هم در میدان واقعیت رنگ باخته و این بار با افشاگری‌ها روشن شده است. این روایت‌ها در مجموع حاکی است که پروژه پهلوی در عمل شکست‌خورده تلقی می‌شود و درس عبرتی برای همه که اتکای خارجی به‌ویژه از راه جنگ شناختی، هرچند پیچیده، نمی‌تواند اراده و حافظه تاریخی مردم را به نفع یک آلترناتیو خارجی تغییر دهد.

راهی برای کاهش فاصله

برای کاهش این فاصله و تغییر مسیر، چند اقدام سیاستی ضروری است: تقویت برنامه‌های پیشگیری و غربالگری سراسری برای فشار خون، دیابت و چاقی در میان جمعیت جوان و میانسال؛ افزایش آگاهی عمومی از علائم سکنه و ضرورت مراجعه فوری در ساعات اولیه؛ توسعه و هماهنگی شبکه ملی مراکز درمان سکنه؛ و اجرای سیاست‌های جمعی برای اصلاح الگوهای غذایی، کاهش مصرف دخانیات و تشویق به فعالیت بدنی.

سکنه مغزی امروز سومین علت مرگ و نخستین علت ناتوانی در ایران است. اما نکته مهم‌تر آن است که در کشور ما، برخلاف بسیاری از نقاط جهان، سکنه تنها گریبان سالمندان را نمی‌گیرد بلکه در سنین پایین‌تر سر می‌رسد و زندگی فعال افراد را مختل می‌کند.

بدون اصلاح سیاست‌های پیشگیری و ارتقای کیفیت خدمات، بار بیماری‌های مغز و اعصاب در دهه‌های آینده سنگین‌تر خواهد شد. جلوگیری از این روند نه یک انتخاب بلکه ضرورتی برای آینده جامعه ایرانی است.

زنان

تاریخ‌سازی زنان

طلای زنان والیبالیست پس از ۶۲ سال

قهرمانی تیم ملی والیبال زنان ایران در مسابقات آسیای مرکزی بیش از آنکه یک نتیجه ورزشی باشد، روایتی از ۶۲ سال صبری، تلاش و ماندگاری است. تیمی که نخستین‌بار در سال ۱۳۴۲ تشکیل شد، سال‌ها در حاشیه ورزش حرفه‌ای قرار داشت؛ با کمترین امکانات، کمترین توجه رسانه‌ای و محدودیت‌های بی‌شمار. اما دیروز در تاشکند، جایی که شاگردان «الی دو هی» با پیروزی سه بر صفر برابر ازبکستان جام قهرمانی را بالای سر بردند، ورق تاریخ برگشت.

این مدال طلا، نخستین افتخار رسمی زنان والیبالیست ایران در سطح قاره‌ای است. آنها در مسیر قهرمانی حتی یک ست هم واگذار نکردند؛ تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان را یکی پس از دیگری شکست دادند و با اقتدار به صدر نشستند. اما فراتر از اعداد و نتایج این موفقیت حامل معنایی عمیق‌تر است: نشانه‌ای از بلوغ، جسارت و امید.

والیبال زنان ایران در دهه‌های گذشته، بارها زیر سایه مردان، سیاست‌ها و حتی کلیشه‌های فرهنگی گم شد. قهرمانی در تورنمنتی هرچند نه در بالاترین سطح آسیا اما برای نسلی که تنها رؤیای ایستادن روی سکوی قهرمانی را در ذهن داشت به‌سان فتح یک قله بزرگ است. همین مدال می‌تواند، دریچه‌ای تازه برای مطالبه امکانات بیشتر، برگزاری لیگ‌های منظم‌تر و توجه رسانه‌ای جدی‌تر باشد.

شاید این طلا را باید نتیجه پیگیری نسل‌هایی دانست که از دهه ۴۰ تا امروز در سکوت و بی‌خبری عمومی تمرین کردند، مسابقه دادند و با کمترین دستاورد کنار رفتند. اکنون فاطمه خلیلی، شبنم علیخانی، آیتک سلامت و هم‌تیمی‌هایشان وارث همان راهی هستند که پیشینیان ساختند.

در نهایت این قهرمانی نمادی از توان زنان ایرانی است که در هر عرصه‌ای مجال بروز بیابند، می‌توانند تاریخ بسازند.

شاید امروز جام آسیای مرکزی در دست دختران والیبال باشد اما فردا می‌تواند، حضور در جمع قدرت‌های آسیا و جهان باشد. این مدال طلا نه پایان راه که آغاز فصل تازه‌ای برای والیبال زنان ایران است؛ فصلی که می‌تواند، ورزش ایران را دوباره به خودآگاهی برساند: قهرمانی، محصول اراده و پشتکار است نه صرفاً امکانات و تاریخچه.

